

بررسی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی به‌روش کیفی مطالعه موردی: روستای لزور

بهروز قرنی آرانی* - استادیار دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۳

چکیده

موفقیت سازمان‌های مردمی در کاهش فقر روستایی می‌تواند پیش از نهادهای غیرمردمی باشد، اما به‌دلایلی این موفقیت حاصل نمی‌شود و مزایای نهادهای مردمی بالفعل نیستند. در پژوهش حاضر، نقش مشارکت روستاییان در کاهش فقر روستایی تبیین می‌شود. از آنجاکه کارشناسان و مدیران پروژه حبله‌رود در هدف‌گذاری، طراحی، اجرا، ارزش‌یابی و نگهداری این پروژه کوشیدند مشارکت محلی را جلب کنند و از شروع این پروژه نیز زمان زیادی می‌گذرد، از آن به‌عنوان مطالعه موردی این تحقیق استفاده شد. در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های شاخص به‌زیستی انسان به‌عنوان سنجه برگزیده شد. تحلیل محتوای متن مصاحبه با ۱۲ تن از آگاهان محلی روستای لزور - از روستاهای موفق و پایلوت این پروژه- نشان می‌دهد که مشارکت در طرح‌ها، فقر عمومی و فقر معنوی و فقر حاد و مزمن را کاهش داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که پایداری، اثربخشی و پوشش پروژه‌های مشارکتی در هدف قراردادن فقر عمومی روستایی بیشتر از پروژه‌های بالا به پایین است و پروژه‌های غیرمشارکتی از هدف کاهش فقر روستایی به‌تدریج دور می‌شوند؛ حتی اگر در ظاهر یا در گام‌های اولیه سریع‌تر از پروژه‌های مشارکتی پیش بروند.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی مشارکتی روستایی، کاهش فقر، لزور.

مقدمه

مفهوم فقر با تعاریف و استدلال‌های متداول توسعه هم‌پوشانی کاملی ندارد و دامنه‌ای وسیع از فقر درآمدی تا نگاه فیلسوفانه به توانمندی‌های فردی و انواع آزادی را دربرمی‌گیرد. با این حال، ادراک پول‌سنجانه^۱ از فقر در تحلیل‌های کاهش فقر تعریف غالب است (Green and Hulme, 2005, 867). پرسش نخست این است که: فقر چیست؟

فقر می‌تواند گسترده، چندبعدی، ذهنی، متغیر در طول زمان، شامل قابلیت‌ها و رفاه باشد و برحسب هنجارها، مقایسه‌ها و توقعات، نسبی به نظر آید. فقر، ابعاد مادی و معنوی دارد. فقر معنوی یعنی نبود قدرت تصمیم‌گیری در زندگی، که می‌تواند نوعی ناتوانی فکری و روانی و فقر فرهنگی هم تلقی شود. قسمت اعظم فقرای جهان (۷۵ درصد) در روستاها سکونت دارند (IFAD, 2001, 15-20; IFAD, 2011, 18). فقر می‌تواند بر تمام ابعاد توسعه پایدار اعم از اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و زیست‌محیطی تأثیر بگذارد. فقر انواع گوناگونی دارد و می‌تواند حاد باشد و اگر برنامه‌ریزی برای آن صورت نگیرد، مزمن شود.

اما چرا در مطالعات، فقر روستایی را از فقر شهری جدا می‌کنند؟ در پاسخ باید گفت که شرایط حاکم بر روستا نگاه به فقر را متفاوت می‌سازد؛ که از جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: ضعف ارتباط و نبود تشکلهای مؤثر برای مشارکت یا انتقال درخواست‌های روستاییان، دورافتادگی روستا، و پایین بودن سطح سواد (گالبرایت، ۱۳۶۶، ۶۲-۵۳). کاهش فقر را به‌طور عمده می‌توان از روستا آغاز کرد.

اکنون در کشورهای در حال توسعه، طرح‌ها و برنامه‌های روستایی کاهش فقر در کنار مطالعات و پژوهش‌های جلب مشارکت‌های مردمی در طراحی و اجرای آن صورت می‌گیرد. اهمیت مطالعه در زمینه کاهش فقر روستایی با راهبرد مشارکت روستاییان - که مهم‌ترین جلوه آن در تشکلهای مردمی ظهور می‌یابد - به این دلیل است که روش‌های دیگر پژوهش فقر،

1. Money Metric Understandings

راحت‌طلبانه دستی از دور بر آتش دارند. در چنین مطالعاتی ممکن است در مرحله اجرا حتی کمترین میزان مشارکت (مثلاً اطلاع‌رسانی) هم به‌خوبی صورت نگیرد. در طرح‌های غیرمشارکتی، حتی اگر نیازهای واقعی فقرای روستایی تاحدودی رفع شود و اثربخشی وجود داشته باشد، معمولاً کارایی لازم وجود ندارد؛ چراکه راه‌حل‌های کارشناسان برای کاهش فقر به‌علت ملموس نبودن برای فقرا، به‌راحتی اجرا نمی‌شوند.

نگاهی به تلاش‌های گذشته و بررسی الگوهای حاکم بر مقابله با فقر روستایی نشان می‌دهند که این تلاش‌ها بیشتر به مداخله‌های بیرونی پرداخته و کمتر به فقرای روستایی به‌عنوان تصمیم‌گیر یا عاملانی بانگیزه و توانا برای بهبود اوضاع خود توجه کرده‌اند. تاکنون در اغلب کشورهای در حال توسعه، برنامه‌های غیرمشارکتی و از بالا به پایین و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی از اعتبار برنامه‌ریزی ناحیه‌ای کاسته و حاصل آن در حاشیه قرار گرفتن روستاییان به‌ویژه فقرا- از سهم‌شدن در منافع توسعه بوده است. به‌نظر می‌رسد برنامه‌های استبدادی دولت با نام مشارکتی و برنامه‌ریزی تسهیل‌گران (برنامه مشارکتی «ما» برای «آنها») هیچ‌کدام در چارچوب‌های واقعی برنامه‌های مشارکتی کاهش فقر روستایی نمی‌گنجند. از این میان فقط مشارکت «ما» در برنامه «آنها» مفهوم واقعی کلمه را تاحدودی بیان می‌کند. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهند هر جا فقرا به‌عنوان عامل، و نه موضوع، در فرایند توسعه شرکت می‌کنند امکان ایجاد رشد، توسعه انسانی و برابری وجود دارد (رضوی و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۵ و چمبرز، ۱۳۷۸، ۱۲۰). با وجود موانعی نظیر کمبود منابع دانش و اطلاعات، بی‌سوادی، کم‌سوادی، یا کمبود و نقص در آموزش و اطلاع‌رسانی به‌خاطر فقر انسانی و درآمدی، چگونه این امر امکان‌پذیر است؟ آیا می‌توان برنامه‌ای تدوین کرد؟ حرکت از وضع ناخوشایند کنونی به سمت مطلوب و آرمان‌ها به چه چیزهایی نیازمند است؟

«ما» می‌دانیم که «آنها» به مشکلات خود به‌خوبی آشنا هستند و حتی در بسیاری از موارد

به آن «خو» گرفته‌اند و به‌گفته لوئیس^۱ (۱۹۶۸)، فرهنگ فقر، شیوه زندگی خاصی را برای‌شان به‌وجود آورده است (رضوی و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۴ و برگرفته از رضوی، ۱۳۷۷، ۱۵-۱۱). بنابراین به‌نظر می‌رسد اگر شرایط تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده‌ای در جهت رفع موانع وجود داشته باشد و کمک‌های مالی در اختیار قرار گیرد و حمایت به‌همراه مشارکت باشد، وضع موجود بهبود می‌یابد.

حال پرسش این است که: شرایط تسهیل‌کننده چیست؟ در رویکردهایی که راهبردهای مشارکتی را توصیه می‌کنند، مردم هم وسیله توسعه هستند و هم هدف آن (رضوانی، ۱۳۸۳، ۱۰۸). در سال‌های اخیر در مباحث توسعه تأکید شده است که روستاییان فقیر باید در طراحی و ارزیابی، اجرا، و ارزش‌یابی برنامه‌های توسعه روستایی مشارکت ورزند و ساختار تجربه‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی باید به‌گونه‌ای باشد که اجرای راهبردهای توسعه روستایی را تسهیل کند. امروزه یکی از راه‌های عملی کردن مشارکت، تشکیل یا گسترش سازمان‌های غیردولتی^۲ (NGOs) داوطلبانه کاهش فقر روستایی است. این تشکل‌های مردمی می‌توانند شرایط تسهیل‌کننده را بسازند. بین مشارکت روستاییان و تشکل‌های مردمی، پیوند ذهنی و عملی تنگاتنگی برقرار است (برگرفته از راندینلی و همکاران، ۱۳۷۶، ۹۱-۸۱). مشارکت فعال روستاییان از طریق اجتماعات محلی‌ای که هدف اولیه‌شان پیگیری اهداف اقتصادی/اجتماعی است، به‌دست می‌آید. این سازمان‌ها در مقایسه با سازمان‌های دولتی مزایای بالقوه‌ای دارند: انعطاف‌پذیری؛ آشنایی با اولویت‌ها و پاسخگویی به نیازهای محلی؛ آشنایی با زبان، فرهنگ و آداب و رسوم محلی؛ شناسایی بهتر گروه‌های هدف؛ آشنایی بهتر با راه‌حل‌های تهیدستان روستایی برای کاهش فقر روستایی و انتظارشان از نهادهای دولتی و غیردولتی، و اینکه چگونه می‌توانند در مراحل برنامه‌ریزی شرکت کنند (هولمن، ۱۳۷۷، ۱۰۱).

1. Lewis

2. Non-Governmental Organizations

با وجود این مزایا انتظار می‌رود سازمان‌های جامعه‌محور^۱ (CBOS) در کاهش فقر روستایی موفق‌تر از سازمان‌های دولتی باشند. هرچند امروزه چندان تردیدی وجود ندارد که تشکل‌های مردمی و محلی بتوانند نقش برجسته‌ای در کاهش فقر روستایی داشته باشند، ولی به دلایلی مزایای نسبی آنها بالفعل نیست و به ندرت به بهره‌برداری می‌رسند. در پژوهش حاضر بررسی می‌شود که نقش مشارکت روستاییان در کاهش فقر روستایی چیست.

پرسش نخست این است که مشارکت روستایی چیست؟ از دیدگاه هابرماس^۲ مفهوم مشارکت می‌تواند پیش‌شرط گفتمانی باشد که توافقی اجتماعی را صرفاً برای حل و فصل برخوردهای بین ذی‌نفعان^۳ هدف‌گذاری می‌کند (Elsasser, 2002, 299). ذی‌نفعان به افراد، گروه‌ها یا سازمان‌هایی گفته می‌شود که علاقه یا سهمی در موضوعی دارند، یا از آن تأثیر می‌پذیرند، یا اینکه تأثیری بر برآیندها خواهند داشت. بنابراین، ذی‌نفع‌ها می‌توانند از حرفه‌ای‌ها، مسئولان، کارشناسان، مردم منتخب، گروه‌های محلی، غیرحرفه‌ای‌ها، شرکت‌ها، کشاورزان، یا هریک از شهروندان باشند (Maurel et al. 2007, 631). سطح اجتماع در برنامه‌ریزی روستایی بر مشارکت بنا می‌شود و در واقع خود مشارکت است. پروژه‌های جامع و ملی، برنامه‌ریزی روستایی را از سطح روستایی دور می‌کنند و مشارکت را بالقوه دشوار می‌سازند. این سطوح، سطوح اجتماع و پروژه را دربرمی‌گیرند و از طریق سازمان‌های محلی‌ای که روستاییان دست‌اندرکار آن‌اند، کار انجام می‌شود. در رویکردهای تمرکززدایی‌شده، امکان تأسیس سازوکارهایی هست که جنبش را به سمت بالا و پایین هدایت کنند و همه را برای مشارکت در سطوح گوناگون توانمند سازند.

به‌رغم تمرکزگرایی غالب طرح‌های توسعه روستایی ایران، پروژه‌هایی نیز یافت می‌شوند که

1. Community – Based Organizations
2. Habermas
3. Stakeholder

در آنها کوشش شده است بخشی یا تمام پروژه با مداخله همه یا اکثر ذی‌نفعان پروژه انجام شوند. پروژه ملی حبله‌رود که با هدف مشارکت محلی درصدد بود مداخلات جوامع محلی را در طراحی و اجرای پروژه‌های منابع طبیعی پیشینه کند، از این دست است. پروژه مذکور با اهداف حفظ منابع طبیعی از طریق کاهش فقر روستایی و کاهش اثرهای تخریبی اقتصاد ناپایدار ناحیه، پروژه مناسبی برای پژوهش حاضر به‌نظر می‌رسد. از این‌رو از مجموع روستاهای پایلوت، روستای لزور در شهرستان فیروزکوه انتخاب شد.

پیشینه تجربی

طهماسبی و پویافر در مقاله «عبور از برنامه‌ریزی متمرکز از طریق توانمندسازی جوامع محلی (تجربه حبله‌رود)»، بر این موارد تأکید ورزیده‌اند: پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های خاص برنامه‌ریزی مشارکتی روستاییان و ایجاد ارتباط با آنها، توانمندسازی در برنامه‌ریزی مشارکتی، شکل‌گیری ساختاری و تشکیلات مناسب با برنامه‌ریزی مشارکتی، تغییر نگرش مسئولان و تصمیم‌گیران، و رفع موانع و محدودیت‌های این شیوه برنامه‌ریزی در کشور (برگرفته از طهماسبی و پویافر، ۱۳۸۳، ۱۹۵-۱۸۱).

با سرمایه‌گذاری تسهیلات جهانی محیط‌زیست^۱ (GEF) و با توافق کارشناسی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و برنامه توسعه ملل متحد، «پروژه ترسیب کربن دشت حسین‌آباد بیرجند (۲۷ روستا)» اجرا شد. سه هدف عمده این پروژه عبارت‌اند از: افزایش ترسیب کربن از طریق کاشت گونه‌های مقاوم با مدیریت و مشارکت جوامع محلی، افزایش بهره‌وری زمین‌های مناطق خشک و کاهش روند بیابان‌زایی، و کاهش فقر از طریق احیای مراتع منطقه و بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی جوامع محلی (دفتر پروژه ترسیب کربن، بی‌تا).

مؤسسه همیاران، برخی طرح‌های فقرزدایی روستایی را از طریق توانمندسازی جوامع محلی

1. Global Environmental Fund

انجام داده است که از جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: طرح توانمندسازی جامعه محلی - شهرستان اردکان (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، پایش مردمی جنگل‌های دریای خزر روستای صفارود مازندران (بهار ۱۳۸۳ - بهار ۱۳۸۶)، نقش مؤسسه همیاران پس از زلزله بم (۱۳۸۳)، طرح توانمندسازی روستای حاشیه‌نشین ابراهیم‌آباد (شهرستان بروجرد، استان لرستان) (۱۳۸۵) و کاهش فقر روستاییان حاشیه مشهد - روستای نوده (زمستان ۱۳۸۲ - زمستان ۱۳۸۵). به‌عنوان نمونه درخصوص مورد آخر، پس از انتخاب کمیته مشورتی استان و شرکای بومی کارآمد برای راهبری و تسهیلگری، شناسایی و جلب حمایت CBOها و NGOها، طراحی پروژه‌های اعتبار خرد، مطالعات میدانی، و استفاده از ظرفیت جدید دهیاری؛ روستای نوده با هم‌فکری مردم به پنج منطقه تقسیم شد. سپس با تشکیل کمیته راهبری محلی (شورای اسلامی و معتمدان منتخب از هر منطقه)، تشکیل کارگاه‌های ظرفیت‌سازی راهبری پروژه، نیازسنجی و اولویت‌بندی نیازها و تهیه نقشه فقر هر منطقه صورت گرفت. در مرحله بعد ساماندهی کالبدی، توسعه آموزشی - فرهنگی، ساماندهی و مدیریت تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت، ایجاد بلوک‌های مدیریتی، و انتقال این تجارب به سایر روستاها برای حل مسائلی چون آشوب‌ها، آشفستگی کالبدی، اعتیاد، کم‌سواد و فقر مطلق انجام گرفت (همیاران غذا، بی‌تا).

تجربه‌های داخلی ایران در زمینه رویکرد مشارکتی به کاهش فقر روستایی نشان می‌دهند که اهمیت این رویکرد بیش از پیش احساس می‌شود و به‌ویژه NGOها تلاش کرده‌اند به روند مداخله روستاییان در کاهش فقر یاری برسانند. نگاه برنامه‌های پنج‌ساله توسعه از جمله دو برنامه سوم و چهارم می‌توانست و برنامه پنجم می‌تواند این روند را تقویت کند، تا رویکردهای توانمندسازی و مشارکتی بیش از گذشته قوت یابند.

روش‌شناسی و مطالعه موردی

برای سنجش و آزمون به‌زیستی انسان می‌توان این شاخص‌ها را در نظر گرفت: تغذیه، پوشاک، سرپناه و مسکن، اشتغال، بهداشت، محیط فیزیکی، محیط اجتماعی، آموزش و پرورش، تأمین

اجتماعی، آزادی انسانی، فرصت‌های اجتماعی و میزان مشارکت (زاهدی، ۱۳۸۲، ۲۵۸). در تعیین شاخص‌های مذکور این ویژگی‌ها در نظر گرفته شده‌اند: به همه رویکردهای پولی و غیرپولی توجه شده است؛ به وضعیت روستای ناحیه در حال مطالعه شباهت دارند؛ مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر اهداف کلی پروژه‌های مشارکتی‌اند؛ و ذهنیت روستاییان در بررسی تأثیر پروژه در نظر گرفته شده است.

مشارکت مقوله‌ای کیفی و برگرفته از واقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه است، بنابراین روش برخورد با آن در این پژوهش، کیفی انتخاب شد. مصاحبه با آگاهان محلی از روش‌های ارزیابی سریع هسته‌ای^۱ است. در روش مصاحبه، تعداد آگاهان معمولاً در دامنه‌ای از ۱۰ تا ۲۵ نفر هستند. نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت و با ۱۲ نفر از آگاهان مصاحبه شد. مصاحبه با راهنمای مصاحبه انجام شد که در آن موضوعات و مسائلی فهرست می‌شوند که جلسه را پوشش می‌دهند. دقت، عمق، روایی و اعتبار پرسش‌ها و اطلاعاتی که از این نوع مصاحبه‌ها به‌دست می‌آید عمدتاً بستگی به این موارد دارد: انتخاب آگاهان محلی تا چه اندازه دقیق باشد، راهنمای مصاحبه‌ها توسعه‌یافته باشد، مصاحبه‌کنندگان آموزش‌دیده باشند، مصاحبه‌ها مدیریت شوند، آگاهان به دادن پاسخ‌های بیشتر و مرتبط‌تر برانگیخته شوند، و پاسخ‌ها ضبط شوند (Kumar, 1993, 13).

در انتخاب آگاهان محلی از روش گلوله برفی بهره گرفته شد. مشارکتی‌بودن روند انتخاب موجب شد که همکاری بین پژوهشگر و روستاییان بهتر شکل بگیرد. مصاحبه‌شوندگان همگی از مردم لزور و از میان کسانی که در پروژه حبله‌رود یا سایر پروژه‌های مشارکتی و خودجوش در روستا نقشی برعهده داشتند انتخاب شدند. این افراد از بین گروه ۱: تسهیل‌گران آموزش‌دیده محلی (مشهور به همیاران توسعه)؛ گروه ۲: اعضای هسته مرکزی توسعه پایدار (نهاد مشارکتی روستای لزور)؛ گروه ۳: پیمانکاران محلی؛ گروه ۴: اعضای شورای هماهنگی

1. Core Rapid Appraisal Methods

(نهاد مشارکتی روستای لزور)؛ و گروه ۵: مدیران داخلی روستا اعم از اعضای شورای اسلامی روستا یا دهیار انتخاب شدند (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های پرسش‌شوندگان

جنس	سن	گروه	مدت	جنس	سن	گروه	مدت	جنس	سن	گروه	مدت
مرد	۳۵	۵	۰۱:۱۵:۳۵	مرد	۵۰	۴	۰۱:۵۲:۴۹	مرد	۳۵	۲	۰۰:۴۱:۲۹
مرد	۷۰	۴	۰۰:۵۵:۲۸	مرد	۴۰	۳	۰۲:۰۸:۳۶	مرد	۴۰	۱	۰۱:۳۶:۲۸
مرد	۴۰	۴	۰۱:۰۴:۴۳	مرد	۴۵	۵	۰۲:۰۶:۲۳	زن	۳۰	۱	۰۰:۴۱:۲۷
مرد	۶۵	۴	۰۰:۵۳:۳۲	مرد	۴۰	۳	۰۰:۵۸:۳۸	زن	۳۰	۴	۰۱:۰۳:۲۷

توضیح: در مجموع مدت ۱۵:۱۸:۳۵ برای مصاحبه با آگاهان لزور وقت صرف شد.

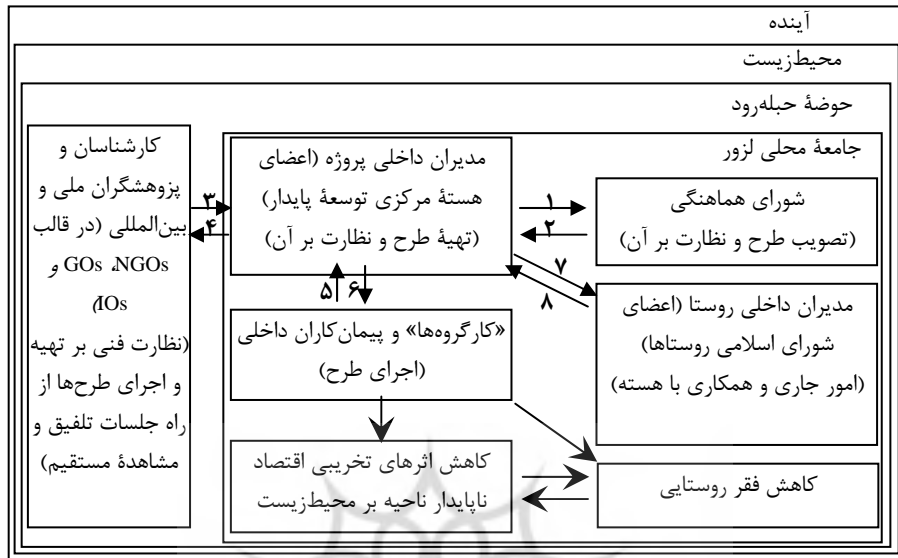
پژوهشگر مدت‌زمان یک ماه را به مصاحبه با افراد و مشاهده اختصاص داد و در این مدت در روستا سکونت یافت. تمام گفته‌ها ضبط، پیاده‌سازی، و حروف‌چینی شدند. در فرایند اولیه هیچ مطلبی از مصاحبه‌ها - حتی مطالب به‌ظاهر غیرمرتبط - حذف نشد. در طول مصاحبه مدیریت زمان و مسیر آن بر عهده مصاحبه‌شونده بود. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل محتوا استفاده شد، که بر اساس آن خصوصیات زبانی متن مصاحبه با آگاهان محلی در سه دسته واقع‌بینانه، عینی یا سامان‌مند قرار می‌گیرد و از آنها نیز استنتاج‌هایی درباره مسائل غیرزبانی و محتوایی به‌دست می‌آید (هولستی، ۱۳۷۳، ۲۱۲). واحد ثبت در این پژوهش، عبارت‌های حاصل از متن مصاحبه است. برای روایی این پژوهش، ابتدا چارچوب مؤلفه‌های پژوهش استخراج و سازماندهی شد و سپس جمله‌ها و عبارت‌های مرتبط استخراج شدند. برای تحلیل، از تکنیک جدول فراوانی بهره گرفته شد و عبارت‌های مرتبط با هریک از مؤلفه‌های شاخص در جدول خود قرار گرفت و فراوانی‌ها مشخص گردید. فراوانی‌ها نشانه فراوانی مطلق نیست چراکه ممکن است یک عبارت از گفته‌های آگاهان محلی برحسب مفهوم آن در چندین معرف به‌کار گرفته شود (جدول ۲).

پاسخ به پرسش‌ها، آزمون فرضیه و ترسیم اشکال از مصاحبه گرفته شده‌اند. به‌عنوان نمونه، شکل ۴ به تأثیر پروژه انبار علوفه بر توسعه روستایی مربوط می‌شود. از این‌رو در بخشی از شکل ۴ این عبارت به چشم می‌خورد: کاهش وابستگی دامدار به مرتع.

جدول ۲. نمونه‌ای از جدول فراوانی یکی از عبارتهای مرتبط در متن مصاحبه آگاهان محلی و دسته‌بندی آن

عبارت (متن مصاحبه)	خلاصه	شاخص و آزمون فرضیه
انبار قرار است با پولی که از مردم به‌صورت سهام جمع می‌شود در قالب تعاونی علوفه بخرد و در اختیار مردم قرار بدهد. توجیه اهداف طرح ۷-۸ هدف داشت. یکی این بود که با اجرا شدن و فعال شدن انبار علوفه، جلوی استفاده بیش‌ازحد از مراتع گرفته می‌شود. منی که دام دارم اگر علوفه کم باشد، پول ندارم و بالاخره مجبور می‌شوم دام را بریزم در مراتع. علوفه بموقع و ارزان قیمت اگر دستم باشد نمی‌رود در فصل... درست است مراتع باید استفاده بشود. اینجا حتی به‌خاطر نداشتن علوفه در فصل بهار، گوسفند را می‌ریزند در مراتع که خودش را تأمین کند چون پول نیست. علوفه هم گران است.	توجیه اهداف طرح انبار ۷-۸ هدف داشت. یکی استفاده بیش‌ازحد از مراتع. کسی که دام دارد اگر علوفه کم باشد، پول خرید علوفه را ندارد و بر بالاخره مجبور می‌شود دام را بریزد در مراتع. انسان علوفه بموقع و ارزان قیمت اگر دستش باشد نمی‌رود.	۱. اثر مثبت پروژه مشارکتی انبار علوفه «محیط فیزیکی» در شاخص به‌زیستی

همان‌طور که گفته شد عبارتهای در دو مرحله خلاصه شدند و در دسته‌های خود قرار گرفتند تا تأثیر مثبت و منفی روندهای مشارکتی بر کاهش فقر سنجیده شود. با پیمودن فرایندهای نهادینه‌سازی سازمان مشارکت در لزور و دستیابی ذی‌نفعان پروژه حبله‌رود به اهداف درست و گاه دل‌خواه در برخی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی، این روستا می‌تواند نمونه مناسبی باشد (شکل ۱).



روابط

اثرها یا برآمدها

توضیحات: ۱. ارائه بسته‌ها و طرح‌های پیشنهادی، انتقادات، دیدگاه‌ها، و شکایت‌ها از موارد عدم همکاری؛ ۲. ابلاغ مصوبات؛ ۳. ابلاغ طرح‌های مصوب کارشناسی شده، و واریز اعتبار؛ ۴. ارسال پیش‌نویس طرح‌ها و گزارش‌های پیشرفت پروژه‌ها، امور اداری و مالی، درخواست مجوزها؛ ۵. ارائه گزارش، پیشنهاد و صورت‌هزینه‌ها (هر کارگروه در صورت لزوم با گروه‌های دیگر برای رفع مشکلات مشترک همکاری دارد)؛ ۶. توجه مردم محلی از طریق «رسانه‌های روستای لزور»، تقسیم کار، پرداخت دستمزدها، اعزام هیئت‌های پیگیری کار به مرکز و استان، نظارت و کنترل کیفیت؛ ۷ و ۸. جلسه‌های مشترک برای هماهنگی و همکاری سازمان‌های دولتی و مردمی

شکل ۱. الگوی مشارکت مردم روستای لزور در پروژه حبله‌رود

منبع: نگارنده با توجه به مصاحبه با آگاهان محلی

بعد از اجرای پروژه حبله‌رود در روستای لزور نمونه‌هایی از مشارکت را که به‌گفته یکی از آگاهان محلی «مدون و با مدیریت»^۱ و «حساب‌شده» هستند می‌توان در این «جامعه محلی»

۱. عبارتهای داخل علامت نقل‌قول برگرفته از متن مصاحبه‌هاست.

مشاهده کرد. اما پیش از اجرای این پروژه نیز نمونه‌هایی غیرمدون که نشانه‌هایی از مدیریت کار گروهی، تقسیم کار و گردش مالی در آنها مشاهده می‌شود، در روستا وجود داشته است. برخی از این طرح‌ها خودجوش بودند و بعداً توانستند کمک‌های فنی و مالی دولت را به خود جلب کنند، و برخی دیگر با همان برنامه‌های «بالا به پایین سابق» آغاز شدند ولی در ادامه از مشارکت روستاییان بهره‌مند شدند. از گفته‌های روایتگران مصاحبه‌ها به‌اختصار می‌توان به چند مورد که با «همبستگی جامعه محلی» در رفع نابسامانی‌ها کوشیده‌اند، اشاره کرد: مشارکت در طراحی تا نگهداری پروژه‌ها و کمک‌های جسمی، مالی، فکری، و مدیریتی در بهسازی، نوسازی، و بازسازی شبکه آب آشامیدنی؛ گرمابه همگانی؛ منبع آب، آبشخور، توالی صحرایی، و لوله‌کشی آب چشمه‌ها در مناطق خیل و عشایری؛ جاده روستایی؛ شبکه برق روستایی؛ و نصب دکل تلویزیونی.

بعد از انتخاب لزوم به‌عنوان پایلوت پروژه حبله‌رود، پروژه‌هایی هم‌سو با اهداف آن در روستا به‌اجرا درآمد که بدون رعایت ترتیب زمانی یا اهمیت می‌توان از آنها چنین نام برد: ۱. پروژه آبخیزداری کشکوز و کاشت ابتکاری نهالستان مثمر؛ ۲. پروژه آب‌بند سیاه‌رود؛ ۳. انبار علوفه؛ ۴. ساماندهی جاده و مناطق «خیل و عشایری»؛ ۵. طرح کشت گیاهان دارویی با هدف اشتغال‌زایی برای زنان که با جلب تسهیلات GEF به ساخت سالن خشک‌کن عمومی انجامید. تأسیس شرکت تعاونی «ریزبرگ البرز» ثمره تداوم این پروژه است (ابتکاری)؛ ۶. قرق داوطلبانه بعضی از مراتع؛ و برخی موارد دیگر.

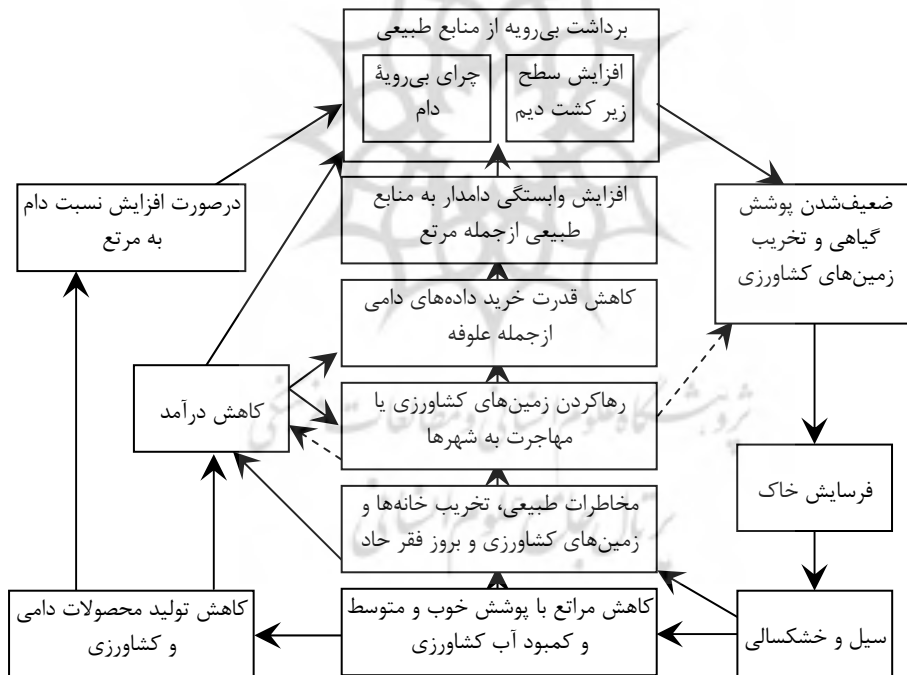
یافته‌ها

از آنجاکه پرسشنامه از نوع نیمه‌ساخت‌یافته بود، پژوهشگر در دو یا سه مصاحبه اول به‌تدریج پی برد که پاسخ به برخی پرسش‌ها درباره تأثیر طرح بر کاهش فقر روستایی، فقط به جنبه‌های مشخصی از فقر می‌پردازد. از این‌رو کوشش شد به‌صورت غیرمستقیم و با برداشت از سخنان

آگاهان محلی که آزادانه یا با درخواست محقق بیان می‌شد، به جنبه‌های گوناگون فقر پرداخته شود. شیوه کار به این صورت بود که ابتدا موضوع یعنی مشارکت و تأثیر آن بر زندگی و معیشت مردم روستا مطرح می‌شد و از آنجا که هنگام تنظیم زمان و مکان مصاحبه معمولاً افراد موضوع مصاحبه را می‌دانستند، در همان آغاز هر جلسه، موضوعات اصلی به‌سادگی بر زبان مصاحبه‌شوندگان جاری می‌شد. این امر به‌ویژه در لزور که تعداد نشست‌های داخلی حین انجام پروژه زیاد بود و بنابر شواهدی از قبیل صورت‌جلسه‌های هسته مرکزی و شورای اسلامی روستا، گاه کیفیتی فنی و تخصصی داشت، امر غریبی به‌شمار نمی‌رفت و همه به آن خو کرده بودند. البته برای محققانی - از جمله نگارنده - که با پیشینه این روستا آشنایی نداشتند، در وهله اول تا اندازه‌ای باورنکردنی بود که مباحث توسعه مشارکتی روستایی زیر سقف چوبی یک خانه روستایی به‌سادگی بر زبان کشاورزان جاری شود (شکل ۲).

به‌عنوان مثال تأثیر مثبت یا منفی طرح‌های مشارکتی بر زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان آزادانه بیان می‌شد، یا بیان داستان‌گونه یا تاریخی از سیر پروژه به درخواست محقق بیان می‌شد و از میان گفت‌وگوها، تأثیر مشارکت در کاهش فقر روستایی به‌دست می‌آمد. یکی از نتایج مهم پژوهش حاضر این است که آگاهان روستای لزور بر نتایج مثبت غیرفیزیکی و غیرمادی طرح‌های مشارکتی بر توسعه روستا در کنار نتایج مثبت مادی - تأکید و اصرار داشتند؛ از جمله افزایش روحیه خودباوری و خوداتکایی در روستاییان، ایجاد انگیزه کارآفرینی و بهره‌برداری بهینه از منابع انسانی و طبیعی، افزایش سطح منابع دانش و اطلاعات روستاییان، آماده‌شدن زیرساختار توسعه و برنامه‌ریزی برای کاهش فقر، افزایش امید به زندگی، و توجه به نیازهای فرهنگی.

یکی از نتایج اولیه و مهم طرح‌های مشارکتی پروژه حبله‌رود از نظر آگاهان لزور، کاهش مخاطرات طبیعی به‌ویژه مخاطرات ناشی از سیل بود. به‌دلیل ویژگی‌های توپولوژیکی و هیدرولوژیکی دامنه‌های اطراف روستا و ویژگی‌های انسان‌ساخت آن از جمله پیشروی خانه‌های روستایی و تأسیسات آبیاری در دامنه‌های سیل‌خیز، هر سال یک یا دو بار خسارت‌های مالی ناشی از سیل به روستا وارد می‌شد. روستاییان به‌جای رفع مشکل به‌صورت اساسی (به‌عنوان مثال پیشگیری از فرسایش ناشی از بهره‌برداری بی‌رویه از مراتع کشرز) به رفع معلول‌ها (لایروبی جوی‌ها و پاک‌سازی زمین‌های کشاورزی از رسوبات سیل به‌عنوان مثال در این مورد) عادت کرده بودند (شکل ۳).



شکل ۳. چرخه‌های معیوب ناپایداری منابع طبیعی و افزایش فقر روستایی

منبع: یافته‌های نگارنده با توجه به مصاحبه با آگاهان لزور

از این رو بنا به گفته صریح آگاهان لزور، در کارگاه‌های ارزیابی مشارکت روستایی^۱ (PRA) در این خصوص به‌عنوان یکی از مشکلات اولیه چاره‌جویی شد. از سوی دیگر این هدف هم‌سو با یکی از اهداف عمده دفتر پروژه حبله‌رود است و آموزش‌های ارائه‌شده به تسهیل‌گران لزور هم در همین مسیر جهت‌دهی شده بود. از این رو روستاییان چندین پروژه مشارکتی مهم را از جمله طرح آبخیزداری کشکوز، آب‌بند سیاه‌رود، و در کنار آنها چند پروژه کوچک و بزرگ مانند نهالستان کشکوز، ایجاد انواع سیل‌گیرها و رسوب‌گیرها، کپه‌کاری و بذرپاشی، تأسیسات ذخیره و توزیع آب، و مانند آن را طراحی و اجرا کردند.

آگاهان لزور بیان کردند که پروژه حبله‌رود در اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم، به‌صورت مقطعی، فصلی و طولانی‌مدت، افزایش نسبی درآمد، و ارتقای سطح معیشت روستاییان تأثیر داشته است. پرداخت حق‌الزحمه کارشناسان، مدیران، پیمانکاران، و کارگران در اجرا و نگهداری از پروژه‌ها از جمله این موارد است. در مورد نیروی انسانی پروژه‌ها این‌گونه بود که هرکس نمی‌توانست یا نمی‌خواست کار کند دیگری را جایگزین خود می‌کرد و هزینه آن را می‌پرداخت. در تأمین تجهیزات نیز همان میزان که از ظرفیت‌های لزور بهره‌برداری شد، اشتغال‌زایی و درآمدزایی را به‌دنبال داشت. پروژه گیاهان دارویی هنوز برای روستاییان به‌ویژه زنان و دختران درآمدزایی دارد. یکی از پروژه‌های مشارکتی مهم اجراشده در روستای لزور، پروژه آب‌بند سیاه‌رود است که علاوه بر مزایایی که بر پروژه آبخیزداری کشکوز مترتب است، به‌گفته آگاهان لزور موجب شده است دبی چشمه‌های پایین‌دست در این روستا یا روستاهای پایین‌تر افزایش یابد.

گفته آگاهان لزور حکایت از آن دارد که انجام پروژه‌های روستا بر سطح بهداشت عمومی و زیبایی محیط‌زیست روستا افزوده است. تأثیر نهالستان کشکوز بر زیبایی چشم‌انداز روستا، تأثیر پروژه حبله‌رود بر باور کاشت درختان مثمر و ورود سالانه ۱۰ تا ۱۵ هزار اصله درخت و تأثیر آن بر اقتصاد و محیط‌زیست، یا بهداشت محیط‌زیست از طریق جلوگیری از پراکندگی علوفه در سطح روستا با راه‌اندازی انبار علوفه نمونه‌هایی از این دست‌اند. در پروپوزال پروژه انبار علوفه که

1. Participatory Rural Appraisal

پوشش آن جنبه از فقر روستایی را نداشتند یا اثربخشی‌شان کم بوده است. از این رو می‌توان پذیرفت که در بسیاری موارد پروژه‌ها از نوع زیربنایی و در راستای توسعه کلی روستا بودند و فقر عمومی را هدف قرار می‌دادند.

بحث و نتیجه‌گیری

توجه آگاهان لزور به اثرهای مثبت غیرفیزیکی و غیرمادی طرح‌های مشارکتی بر توسعه روستا نشان می‌دهد که روستاییان در مقایسه با پیش از انجام پروژه‌های مشارکتی، از وجود فقر معنوی و ذهنی در زندگی‌شان آگاهی بیشتری دارند؛ حتی اگر هیچ تلاشی برای رفع آن انجام نداده باشند. تأکید مطلعان لزور بر نقش آگاهی روستاییان در ایجاد تغییر و تحول شرایط نامطلوب و توجه ویژه ایشان به تخصیص منابع دانش و اطلاعات نشان می‌دهد که آنان در طول پروژه برای رفع این کاستی‌ها تلاش‌هایی کرده‌اند و در صورت اقدام به فعالیت‌های مشارکتی در آینده به این امر توجه ویژه‌ای نشان خواهند داد. اجرای پروژه‌های آبخیزداری از مخاطرات طبیعی و ریسک ابتلا به فقر حاد و مزمن ناشی از تخریب خانه‌ها و تأسیسات کشاورزی کاسته و در عین حال ریسک سرمایه‌گذاری در مناطق سیل‌خیز را برای پروژه‌های بعدی موردنظر روستاییان - نظیر تأسیس شرکت آب معدنی - کاهش داده است.

در مجموع درباره اشتغال‌زایی و درآمدزایی باید گفت که پروژه‌های مشارکتی روحیه کارآفرینی را در روستاییان ایجاد کرد و بسیاری از پروژه‌ها به دلیل بسترسازی آنان برای اشتغال و توسعه، زمینه پروژه‌های بعدی را فراهم کردند. به عنوان مثال، پروژه آب‌بند سیاه‌رود به دنبال خود پروژه‌های پرورش ماهی و پروژه جذب گردشگر، و پروژه آبخیزداری کشکرز به دنبال خود پروژه‌های نهالستان کشکرز و بهره‌برداری آبی را از چوب آن برای صنایع ساختمان‌سازی به ذهن طراحان داخلی و روستاییان آورد. به گفته یکی از آگاهان لزور حتی اگر این پروژه‌ها هیچ اثری هم در آینده نداشته باشند، دست‌کم روستاییان به خاطر توجه مسئولان به این روستا دل‌گرم کرده است. البته فراوانی عبارت‌های مثبت (جدول ۳) نشان می‌دهد که میزان کارایی یا دست‌کم اثربخشی پروژه‌ها از دیدگاه آگاهان لزور و براساس مؤلفه‌های شاخص به‌زیستی انسان بالا بوده است.

جدول ۳. تأثیر طرح‌های مشارکتی بر کاهش فقر با استفاده از نتایج مصاحبه

منفی	مثبت	شاخص/عبارت
۰	۳	تغذیه
۰	۴	پوشاک
۰	۲	سرپناه و مسکن
۴	۹۲	اشتغال
۰	۱۷	بهداشت
۰	۴۵	محیط فیزیکی
۰	۴۷	محیط اجتماعی
۳	۷	آموزش و پرورش
۰	۲۵	تأمین اجتماعی
۰	۳۱	آزادی انسانی
۰	۶۳	فرصت‌های اجتماعی و میزان مشارکت
۷	۳۳۶	جمع

از مقایسه تحلیل عبارت‌های آگاهان محلی در روستای لزور این پرسش به ذهن می‌رسد که پروژه‌های «بالا به پایین» اجرا شده در همین روستا هم می‌توانند همانند پروژه‌های مشارکتی در کاهش فقر عمومی روستایی و توسعه روستا مؤثر باشند. پس چه تفاوتی می‌کند که پروژه‌ها با دخالت روستاییان طراحی و اجرا شوند یا بدون حضور آنان؟

به‌اعتراف آگاهان محلی تا زمانی که روستاییان، آورده‌ای در مشارکت فکری، مالی، یا جسمی پروژه‌ها نداشته باشند، نمی‌توان انتظار داشت که در نگهداری آن هم از خودشان تحرکی نشان دهند. در پروژه‌های غیرمشارکتی، استهلاک پروژه‌ها بالاست و گاه بهره‌وری لازم در آنها یافت نمی‌شود. آگاهان محلی حتی بهره‌برداری از ظرفیت کامل برخی از پروژه‌های غیرمشارکتی را در آینده و پس از اجرا دشوار می‌دانند.

برخی آثار معنوی مشارکت روستاییان در پروژه‌های روستای لزور که آگاهان روستا به آنها اشاره‌ای کردند ازین دست‌اند: افزایش روحیه خوداتکایی، ایجاد انگیزه کارآفرینی، و افزایش سطح منابع دانش و اطلاعات. به‌گفته یکی از آگاهان روستای لزور تا پیش از پروژه‌های مشارکتی باور

نداشتیم «در یک دیگ دو کله بجوشد!» و در برخورد آرا و افکار بتوان به نتایج و علایق مشترکی دست یافت. این همان نظریه هابرماس است که لازمه فرایندهای مشورتی از جمله مشارکت را رسیدن به علایق مشترک یا دست‌کم شناسایی موارد اختلاف عقیده برمی‌شمارد (Renn, 2006, 35-36). یکی دیگر از آگاهان روستای لزور از «ابراز شخصیت جامعه محلی» به‌عنوان مهم‌ترین نتیجه پروژه حبله‌رود یاد می‌کند. اینها مثال‌هایی از اثرهای غیرفیزیکی ولی ملموس پروژه‌های مشارکتی‌اند. به‌جز این آثار معنوی که در پروژه‌های مشارکتی می‌توان آنها را یافت، از برایند گفته‌های آگاهان محلی نتیجه‌گیری می‌شود که پایداری، اثربخشی و پوشش پروژه‌های مشارکتی در هدف قراردادن فقر عمومی روستایی بیشتر از پروژه‌های «بالا به پایین» است. آگاهان روستای لزور بارها در مصاحبه‌ها اشاره کردند که ادامه روند طراحی و اجرای پروژه‌های غیرمشارکتی بدون حتی مشارکت دادن روستاییان در اطلاع‌رسانی و آگاه‌کردن از اهداف، با بحران بهره‌برداری و نگهداری روبه‌رو خواهد بود. ایشان به‌عنوان مثال درباره ساخت فرهنگسرا در روستا - که اداره ارشاد و فرهنگ اسلامی به‌شیوه بوروکراتیک گذشته آن را اجرا کرد و در طراحی، انتخاب مکان، مشارکت مالی، و ساخت آن از روستاییان هیچ کمکی دریافت نکرد و حتی اطلاعاتی از اهداف آن به روستاییان ندادند - گفتند از آنجاکه روستاییان آن را در مسیر رفع نیازها و کاستن از مشکلات اولویت‌بندی‌شده خود ندیده بودند، در بهره‌برداری و نگهداری از آن نیز نقشی برای خود قائل نیستند. در اینجا به این نتیجه می‌توان دست یافت که تصمیم‌گیران بیرونی نتوانستند اعتماد و موافقت روستاییان لزور را در رسیدن به اهداف خود جلب کنند. بنابراین پروژه‌های غیرمشارکتی از هدف کاهش فقر روستایی به‌تدریج دور می‌شوند، حتی اگر در ظاهر یا در گام‌های اولیه سریع‌تر از پروژه‌های مشارکتی پیش بروند. این همان نتیجه‌ای است که اندرسون هم بدان اشاره می‌کند: لزور همانند انسان کم‌توانی است که تا چندی پیش نمی‌توانست راه برود و اکنون ستاره دوی المپیک است. به‌گفته مردم محلی تا پیش از این در صورتی که حکومت مرکزی به‌طور معمول به مشکلات محلی اعتنایی نمی‌کرد، روستاییان در اثر فراموشی راهکارهایی که پیش‌تر برای این مواقع داشتند درمی‌ماندند، و اگر راه‌حل‌های قییم‌آبانه ناشی از پول‌های نفتی به روستا روانه می‌شد، نامناسب بودند چراکه با آنها مشورتی نمی‌شد (Anderson, 2001).

منابع

- چمبرز، رابرت، ۱۳۷۸، *جابه‌جایی الگوها و شیوه کار پژوهش و توسعه مشارکتی*، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، روستا و توسعه، سال ۳، شماره ۳ و ۴، صص. ۱۱۹-۱۳۸.
- دفتر پروژه ترسیب کربن (بی‌تا)، *پروژه ترسیب کربن*، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری استان خراسان جنوبی (تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۲/۰۴/۲۲)، <http://www.ircsp.net>.
- راندینلی، دنیس‌ای؛ مک کالو، جیمز اس؛ و جانسون، رونالد دابلو، ۱۳۷۶، *تحلیل سیاست‌های تمرکززدایی در کشورهای درحال توسعه: چارچوب اقتصاد سیاسی*، ترجمه عباس حکیمی، روستا و توسعه، سال ۱، شماره ۲ و ۳، صص. ۱۰۰-۶۱.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*، چاپ یکم، نشر قومس، تهران.
- رضوی، سیدحسن، ۱۳۷۷، *روستا؛ فقر، توسعه، جلد اول: مفاهیم، رهیافت‌ها و شاخص‌ها*، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، تهران.
- رضوی، سیدحسن؛ موسوی‌نژاد مقدم، سیدبابک؛ رحیمی سوره، صمد؛ و شاه‌شجاعی، علی، ۱۳۸۲، *روستا، فقر، توسعه، جلد دوم: روش‌ها و الگوهای مقابله با فقر روستایی (تجارب کشورهای آسیایی)*، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، تهران.
- زاهدی، محمدجواد، ۱۳۸۲، *توسعه و نابرابری*، چاپ یکم، انتشارات مازیار، تهران.
- طهماسبی، اصغر و پویافر، امیرمسعود، ۱۳۸۳، *عبور از برنامه‌ریزی متمرکز از طریق توانمندسازی جوامع محلی (تجربه حبله‌رود)*، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی؛ چالش‌ها و چشم‌اندازها، به‌کوشش مؤسسه توسعه روستایی ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی و معاونت صنایع و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی، صص. ۱۹۵-۱۸۱.
- گالبرایت، جان کنت، ۱۳۶۶، *ماهیت فقر عمومی*، ترجمه محمدحسین عادل، چاپ یکم، انتشارات اطلاعات، تهران.
- همیاران غذا (بی‌تا) *طرح‌های انجام‌شده مؤسسه همیاران غذا*، <http://www.hamyaran.org> (تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۲/۰۴/۲۲).
- هولستی، اوله، ۱۳۷۳، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

هولمن، هانس، ۱۳۷۷، گستردگی مفراط دولتهای جهان سوم و تمرکزگرایی آنها، ترجمه بدرالدین اورعی یزدانی، روستا و توسعه، سال ۲، شماره ۲، صص. ۱۰۶-۷۵.

Anderson, John Ward, 2001, **Iranian Village Shapes a Model of Democracy, Breaking Tradition, Residents Take Charge of Own Destiny**, Washington Post Foreign Service, The Washington Post Company.

Elsasser, Peter, 2002, **Rules for Participation and Negotiation and their Possible Influence on the Content of a National Forest Programme**, Forest Policy and Economics 4, PP. 291-300.

Green, Maia and Hulme, David, 2005, **From Correlates and Characteristics to Causes: Thinking About Poverty from a Chronic Poverty Perspective**, World Development, Vol. 33, No. 6, PP. 867-879.

IFAD: International Fund for Agricultural Development, 2001, **Rural Poverty Report 2001: The Challenge of Ending Rural Poverty**, New York: Oxford University Press Inc.

IFAD: International Fund for Agricultural Development, 2011, **Rural Poverty Report 2011: New Realities, New Challenges: New Opportunities for Tomorrow's Generation**, Rome, Quintily.

Kumar, Krishna, 1993, **An Overview of Rapid Appraisal Methods in Development Settings**, Rapid Appraisal Method, Edited by Krishna Kumar, Washington D.C.: World Bank.

Maurel, Pierre; Craps, Marc; Cernesson, Flavie; Raymond, Richard; Valkering, Pieter; and Ferrand, Nils, 2007, **Concepts and Methods for Analysing the Role of Information and Communication Tools (IC-tools) in Social Learning Processes for River Basin Management**, Environmental Modelling & Software Vol. 22, Issue 5, PP. 630-639.

Renn, Ortwin, 2006, **Participatory Processes for Designing Environmental Policies**, Land Use Policy 23, PP. 4-43.